

معناکاوی تهاجم فرهنگی در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری

تاریخ دریافت: ۸۷/۱۰/۲۰ تأیید: ۸۸/۱/۱

محسن مهاجرنیا*

چکیده

در نوشتار ذیل، ادبیات سیاسی تهاجم فرهنگی، به چهار نوع: ادبیات مشاهده‌ای، ادبیات تأملی و تعلیلی، ادبیات آرمانی و مطلوب، ادبیات تجویزی یا اندیشه‌ای تقسیم شد. و یا تمرکز در بخش نخست، بیش از سه مفهوم مختلف در قالب یک شبکه مفهومی بر اساس نظریه بحران بررسی شد؛ و همه مفاهیم بر اساس دو مفهوم مرکزی «دشمن» و «جهان اسلام» پردازش گردید.

واژگان کلیدی: تهاجم فرهنگی، معناکاوی، دشمن، اسلام، جهان اسلام.

* استادیار گروه سیاست پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

به نظر می‌رسد یکی از راه‌های فهم صحیح تهاجم فرهنگی در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، ورود به فضای فکری، فرهنگی، گفتاری و نوشتاری ایشان است. این مهم از طریق شناخت روش اندیشه‌ورزی ایشان میسر است. از راه روش‌شناسی است که رابطه بین زمینه‌ها و اوضاع عینی با دستگاه اندیشگی، اصول، مبادی و مبانی متفکر فهمیده می‌شود. روشن است که مقوله تهاجم فرهنگی، امری ذهنی و توهم نیست؛ بلکه واقعیتی عینی است که خاستگاه آن در ناهمگونی‌ها، تعارضات و بی‌عدالتی‌های اجتماعی است. اینکه این مفهوم چگونه دغدغه متفکر شده است و در دستگاه فکری او پردازش شده و او انواع مفاهیم هم‌افق، مترادف، متضاد، متضایف و متقابل را برای آن تولید کرده است و با فرهنگ‌سازی، ذهن بسیاری کسان را بدان معطوف نموده است، مسئله بسیار مهمی است.

آیت‌الله خامنه‌ای مانند هر اندیشمند دل‌نگران، پس از مشاهده بی‌نظمی‌ها و بحران‌های فکری، اعتقادی، رفتاری در جامعه، در پی منشأیابی و کاوش در دلایل وجودی آن برآمده است؛ و با تأملات عالمانه خویش، پس از دستیابی به آن دلایل و عوامل به مثابه اولین گزینه در برابر خود، بحران‌ها، مشکلات و معضلات را به دستگاه اندیشه‌ورزی ارجاع کرده است تا پاسخ منطقی پرسش‌ها و راه برون‌رفت از مشکلات را مشخص نماید. به این منظور، متفکران به‌طور مدام نیازمند «بازسازی نظام مطلوب» و مورد نظر خود هستند. در ارجاع دلایل به این نظام است که متفکر قادر می‌شود «نسخه» نهایی خود را تجویز کند. همه مفاهیم ذهنی، گفتارها و نوشتارهای سیاسی متفکران، در این فرایند چهارضلعی شکل می‌گیرد. بنابراین در اندیشه ایشان، ما با

چهار نوع زبان سیاسی در باب تهاجم فرهنگی روبه‌رو هستیم:

۱. زبان مشاهده‌ای؛
۲. زبان تأملی و تعلیلی؛
۳. زبان آرمانی و مطلوب؛
۴. زبان تجویزی یا اندیشه‌ای.

اگرچه خوب است همه انواع این زبان‌ها و یا دست‌کم مهم‌ترین آنها که زبان اندیشه‌ای است موضوع بحث باشد؛ علاقه‌مندم به مشاهدات مقام معظم رهبری توجه شود تا تمایزات فکری ایشان در مرحله ماقبل اندیشه نیز آشکار شود؛ بنابراین تمرکز این نوشتار بر تبیین زبان نوع اول است و تحلیل سه نوع زبان دیگر در زمینه تهاجم فرهنگی را به مجال دیگر وا می‌گذاریم. پرسش بنیادین در آغاز بحث این است که مقام معظم رهبری، در اوضاع عینی، زمینه‌ها و زمانه‌ها چه چیزی را مشاهده کرده‌اند که از آن با اصطلاح «تهاجم فرهنگی» یاد می‌کنند؟ از استخدام واژه «تهاجم» روشن می‌شود که گویا زمینه‌ها بحرانی است و همکاری و «تعامل» بین انسان‌ها، جای خود را به تخریب و تهاجم داده است؛ بنابراین جامعه صف‌بندی شده است و دست‌کم دو جبهه «متخاصم» در آن پدید آمده، و در زبان سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، جامعه به دو جبهه «دوست» و «دشمن» تقسیم شده است. آنچه با عنوان تهاجم مطرح است، عملیات خصومت‌آمیزی است که دشمن انجام می‌دهد؛ بنابراین مفهوم مرکزی در این جبهه، اصطلاح «دشمن» است. البته دشمن با روش‌ها و سازوکارها و سازوبرگ‌های فراوان می‌تواند تهاجم کند که امروزه عمدتاً با دو عنوان «تهاجم سخت» و «تهاجم نرم» شناخته

می‌شود. به نظر می‌رسد تهاجم نرم، که به نوعی معادل تهاجم فرهنگی دانسته شده است، از ویژگی‌های دنیای مدرن و امروزی است و نوعی اجماع نظر وجود دارد که تأثیر آن بر خصم، بیشتر و تبعات منفی آن، کمتر است. پیش از ورود به اندیشه سیاسی رهبری، لازم است مفهوم «فرهنگ» و «تهاجم» را به‌جمال بیان نماییم:

مفهوم فرهنگ

«فرهنگ» معادل «الثقافه» در زبان عربی است. «فرهنگ» ترکیبی است از پیشوند «فر» به معنای نور، بزرگی و شوکت؛ و «هنگ» به معنای سنگینی، وقار، قصد و اراده، آهنگ کاری و چیزی را کردن، قوم و قبیله، فوج سپاه؛ و مرکب آن در معانی دیگر همچون مجموعه ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، دانش و فرزاندگی، خرد و عقل سلیم، تدبیر و سنجیدگی، کتاب لغت، حرفه و فن و هنر، تیزهوشی و ادب و اخلاق، و آموزش و پرورش آمده است.

فرهنگ، از جمله اصطلاحاتی است که تعاریف بسیاری برای آن آورده شده است. هر اندیشمند به مقتضای پیش‌فرض‌ها و رویکردهای خود، تعریفی از آن ارائه داده است.

در معنای عام، فرهنگ عبارت است از مجموعه معارف، عقاید، ارزش‌ها، هنجارها، هنر، ادبیات، نظام‌های حقوقی، سیاسی و اجتماعی، شیوه‌های قومی، آداب و رسوم و... که انسان‌ها طی تکامل تدریجی خود به دست آورده‌اند و برای نسل‌های پس از خود میراث گذارده‌اند.

در اصطلاح خاص، فرهنگ درباره میراث‌های فکری، معنوی و هنری به کار

رفته و در برابر «تمدن» که شامل وسایل و ابزارها و مظاهر زندگی اجتماعی است، قرار گرفته است.

برخی فرهنگ را چنین تعریف کرده‌اند:

«مجموعه دانش و افکار و آرای اخلاقی و قوانین و مقررات و سایر عاداتی است که انسان به عنوان عضو یک جامعه کسب می‌کند» (کینگ، ۵۵).

برخی دیگر فرهنگ را شامل ارزش‌هایی می‌دانند که اعضای گروهی معین دارند، هنجارهایی که از آن پیروی می‌کنند و کالاهای مادی که تولید می‌کنند. آنان فرهنگ را همواره در کنار مفهوم جامعه تلقی می‌کنند؛ بدین معنا که فرهنگ شامل کلیه فعالیت‌ها، بایدها و نبایدها، آرمان‌ها و امور گوناگون بسیاری است که در مجموعه‌ای به نام شیوه زندگی اعضای یک جامعه جمع شده است (گیدنز، ۵۵).

به نظر می‌رسد رساترین تعریف این است که فرهنگ را مجموعه‌ای از هنجارها، قوانین، عادات، آداب و رسوم، عقاید و باورها، ارزش‌ها و الگوهای ارتباطی و نیز امور مادی ارزشمند و معقول جامعه بدانیم که به افکار، احساسات و رفتار اعضای آن اجتماع شکل می‌دهد و یا به نوعی تحت تأثیر قرار می‌دهد. آیت‌الله خامنه‌ای فرهنگ را چنین تعریف می‌کند: «فرهنگ به معنای خاص آن، خاطرات، ذهنیات، اندیشه‌ها، ایمان‌ها، باورها، سنت‌ها، آداب و ذخیره‌های فکری و ذهنی را برای یک ملت شامل می‌شود».* بنابراین تعریف، فرهنگ دارای چند عنصر اساسی است:

* دیدار جمعی از شعرا، ادبا، فرهنگیان و دانشگاهیان استان آذربایجان شرقی (۱۳۷۲/۰۵/۹)

هنجار

«هنجار» در لغت به معیار، الگو، رفتار مرسوم، قاعده، مأخذ، مقیاس، حد وسط، و معدل ترجمه شده است و در زبان لاتین به معنای «گونیا» آمده است (ر.ک: گولد، ویلیام ل. کولب، ۱۳۷۶).

هنجارها هم تعیین‌کننده نوع رفتارها هستند که در موقعیت‌های خاصی انجام یا ترک می‌گردند. بر اساس هنجارها می‌توان رفتارهای افراد را در موقعیت‌ها و وضعیت‌های زمانی و مکانی پیش‌بینی کرد (ر.ک: افروغ، ۱۳۷۹: ۲۴ - ۲۶). البته هنجارها چون بر مبنای مقبولیت گروهی و اجتماعی شکل می‌گیرند، از جامعه‌ای به جامعه‌ای دیگر و از گروهی به گروهی دیگر می‌توانند متفاوت باشند.

ارزش‌ها

ارزش، عبارت است از بار معنایی ویژه‌ای که انسان به برخی اعمال، حالت‌ها و پدیده‌ها نسبت می‌دهد و برای آن در زندگی خود جایگاه و اهمیتی ویژه قائل است؛ مثلاً خوب بودن آزادی، برابری، انصاف، کرامت انسان و تأمین اجتماعی، به معنای ارزشمندی این‌گونه امور است.

عقاید و باورها

عقاید، توافقی‌هایی است درباره‌ اینکه چه چیزی در جهان حقیقی، اصل و درست است و واقعیت دارد (جمشیدی، ۱۳۶۸: ۳۹۱). مثلاً اعتقاد به خدای واحد، از جمله عقاید مشترک بین جوامعی است که دین توحیدی دارند. البته ممکن است عقیده‌ای فی الواقع نادرست و ناصواب باشد.

نمادها

نمادها اموری قراردادی‌اند که معرف معنایی ویژه هستند؛ مثل پرچم که نماد اقتدار ملی، و لباس سیاه که نماد عزاداری است.

صنایع فرهنگی و هنری

جنبه مادی فرهنگ، و همان تولیدات فیزیکی و دستاوردهای صنعتی جامعه است؛ مانند فرش‌ها، پارچه‌ها، ظروف و ساختمان‌های بلند.

تعریف تهاجم

واژه «تهاجم» از سنخ مشارکت‌طرفینی است؛ ولی در کاربرد رایج، به معنای هجوم یک‌طرفه آمده است. در واقعیت نیز فرهنگ مهاجم، فرهنگی سلطه‌جوست که با اهدافی ویژه در جهت بسط سیطره خود، برنامه‌ریزی و تلاش می‌کند.

گویا معنای تهاجم، با نوعی غافلگیری و تحمیل همراه است؛ به همین دلیل واژه «تهاجم» در ترکیب «تهاجم فرهنگی» بار منفی دارد؛ زیرا دشمن مهاجم قصد نابودی باورها، ارزش‌های معتبر و متعالی، و هنجارهای پذیرفته‌شده جامعه را دارد. تفاوت بین «تهاجم» به معنای هجوم، با «تهاجم» به معنای تبادل و تعامل در حوزه فرهنگ در این است که:

۱. در تهاجم، هدف ریشه‌کن کردن فرهنگ است؛ ولی در تبادل فرهنگی، بارور کردن فرهنگ منظور است.
۲. در هجوم، اجبار و تحکم حاکم است؛ ولی در تبادل، آزادی و انتخاب وجود دارد.
۳. در تهاجم، تصمیم و انتخاب از آن مهاجم است؛ اما در تبادل، تصمیم‌گیرنده طرفین هستند.

۴. در هجوم فرهنگی، تحقیر، حذف، اضلال، استحاله و انحطاط وجود دارد؛ ولی تبادل با هدف تکمیل و تکامل، صورت می‌گیرد.
۵. تبادل فرهنگی، هنگام توانایی و احساس قدرت طرفین انجام می‌گیرد؛ ولی تهاجم فرهنگی، در زمان ضعف یک ملت واقع می‌شود.
۶. تبادل فرهنگی، خواهان تقویت ارزش‌های فرهنگی است؛ ولی هجوم فرهنگی تضعیف و ریشه‌کن کردن آن را می‌خواهد.

ویژگی‌های فرهنگ

۱. فرهنگ، آینه شفاف است که مجموعه دریافت‌های علمی و عملی، عقلی و احساسی قوم در آن انعکاس می‌یابد.
۲. فرهنگ، زمان‌های گذشته را به حال و آینده پیوند می‌زند و با این کار به زندگی و شخصیت آدمی عمق می‌بخشد.
۳. فرهنگ، ظرفی است که مظروف و محتوای آن، چیزی جز ارزش‌های پذیرفته جامعه نیست و از این لحاظ همیشه بر مفاهیم ارزشی تکیه دارد.
۴. سجایای ملی یک ملت، از فرهنگ آن ملت حاصل می‌شود؛ بنابراین هر چه فرهنگ غنی‌تر و پویاتر باشد، ویژگی‌های روحی آن ملت پرمایه‌تر خواهد بود.
۵. تمدن‌ها فرزند فرهنگ‌ها هستند، انقلاب‌ها نیز زاده عصیان فرهنگ‌ها می‌باشند.
۶. فرهنگ، طبعی سیال و انعطاف‌پذیر دارد؛ لذا آنچه موجب توانایی و بالندگی او می‌شود می‌گیرد و در مقابل، مقداری از خود را به درون حوزه فرهنگ‌های دیگر وارد می‌کند و همین داد و ستد، اگر به صورت مطلوب و معقول انجام

- شود، عامل مهمی برای پویایی و شادابی آن خواهد بود.
۷. فرهنگ ضعیف در برخورد با فرهنگ‌های دیگر، قدرت انتخاب را از دست می‌دهد. در چنین حالتی به صورت فرهنگ مغلوب در خواهد آمد و آنچه را دیگران بخواهند به او تحمیل می‌کنند.
۸. مرگ فرهنگ آن گاه فرا می‌رسد که از تحرک و پویایی باز ایستد.
۹. به هر اندازه که فرهنگ از اصالت بیشتر و چشم‌اندازی گسترده‌تر برخوردار باشد، رابطه انسان با خود، جامعه و جهان خلقت، گرم‌تر و مستحکم‌تر خواهد بود.
۱۰. آنچه انسان را از جانوران دیگر ممتاز می‌کند، فرهنگ است؛ و اگر انسان را «موجودی فرهنگی» تعریف کنیم، راه ناصوابی نیموده‌ایم.
۱۱. جامعه با فرهنگ، جامعه‌ای است که با پرورش عناصر و استعداد‌های فرهنگی، ارزش واقعی زندگی را افزایش داده و خویش را به زینت‌های انسانی، از درون و برون آراسته است.
۱۲. در تقسیم‌بندی‌های فرهنگ‌شناختی، فرهنگ ملی اقوام را به دو بخش مادی و معنوی تقسیم می‌کنند و می‌گویند: فرهنگ مادی عبارت از اشیاء و آثاری است که به همت گذشتگان ساخته و پرداخته شده و برای نسل حاضر به ارث رسیده است. فرهنگ، رسوم معنوی، آیین‌ها، اعتقادات، هنرها و مانند آن را دربر می‌گیرد. از این بیان می‌توانیم چنین نتیجه بگیریم که فرهنگ، امری اکتسابی است نه غریزی؛ بنابراین هر فرهنگ سه خصیصه مهم دارد:
۱. اکتسابی و انتقالی است: بدین معنا که فرد از طریق آموزش و تربیت خانواده مواریث فرهنگی قوم یا جامعه خود - از بدو

تولد تا پایان زندگی - را کسب می‌کند و آن را به نسل بعدی خود انتقال می‌دهد، این جریان جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری مدام در طول تاریخ ادامه داشته است.

۲. جمعی و گروهی بودن: فرهنگ، دستاورد و میراث جمع است. اگرچه فرد به‌تنهایی در ساختن عنصری خاص از فرهنگ می‌تواند نقش داشته باشد، زمانی که آن عنصر مورد پذیرش جمع و افراد جامعه قرار می‌گیرد عنصر فرهنگی محسوب می‌شود.

۳. فرهنگ، نظم ارگانستی دارد: فرهنگ، کل منسجمی است که از اجزای گوناگونی که در ارتباط با یکدیگرند تشکیل شده است؛ به‌طوری که حذف و اضافه عنصری به این مجموعه، پیوستگی و انسجام فرهنگی را مخدوش می‌سازد.

با تأمل در مفهوم‌شناسی و ویژگی‌های فوق، چهار کارکرد مهم را برای فرهنگ می‌توان نام برد:

۱. وسیله تعامل افراد و جوامع است.
۲. وسیله شناخت گذشتگان است.
۳. تدوام‌بخش حیات اجتماع است.
۴. عامل وحدت‌بخش و هویت‌دهنده جامعه است.

شبکه مفهومی تهاجم فرهنگی

آیت‌الله خامنه‌ای در باب تهاجم فرهنگی، از واژگان متعدد و متنوعی استفاده کرده است و از آن به عنوان هشدار مکرر به مسئولان در باب تهاجم فرهنگی

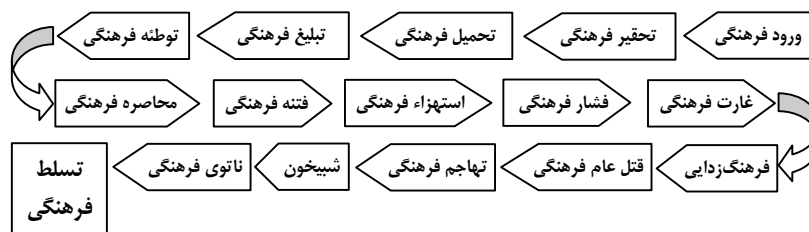
دشمن یاد می‌کند (دیدار مسئولان، قضات و کارکنان قوه قضاییه ۱۳۸۲/۴/۷). تعبیر شایع در سخنان ایشان عبارت «تهاجم فرهنگی» است؛ اما اهمیت مسئله و مشاهده بحران واقعی و بی‌نظمی سبب شده است تا ایشان واقعیات را از منظرهای گوناگون با ادبیات متنوع بیان کنند؛ در ذیل، بخشی از اصطلاحات و واژگان به‌کار گرفته شده ایشان تقدیم می‌شود: جنگ سرد (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی)، جنگ نرم (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸/۰۶/۲) جنگ فرهنگی (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جلسه پاسخ به سؤالات دانشمویان دانشگاه تهران، ۱۳۷۷/۲/۲۲)، تعرض فرهنگی (سفرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر، ۱۳۷۰/۴/۱۰)، محاصره فرهنگی (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸/۰۳/۲۶)، هرج و مرج فرهنگی (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۵/۱۰/۱۵)، ورود فرهنگ استعماری (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار کارگزاران نظام، روز عید غدیر، ۱۳۷۳/۳/۸)، تحقیر فرهنگی (بیانات در دانشگاه رازی بافتران، ۱۳۶۸/۱/۱۵)، توطئه فرهنگی (مطبوعات نماز جمعه تهران، ۱۳۶۸/۱۱/۲۰)، تهاجم، فرهنگ بیگانه (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای انجمن اهل قلم، ۱۳۸۱/۱۱/۷)، سم‌پراکنان فرهنگی (دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، تملیل اوضاع کشور، ۱۳۸۵/۳/۲۹)، نفوذ فرهنگی (بیانات در دیدار با مسئولان انتشارات سپاه، ۱۳۶۴/۷/۲۸)، فرهنگ‌زدایی (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار هیئت علمی و کارشناسان مه‌اد دانشگاهی، ۱۳۸۳/۰۴/۰۱)، فتنه فرهنگی (سفرانی در جامعه‌الصادق ۱۳۶۵/۸/۲۸)، امواج فرهنگ (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مفتی مسلمانان مصر ۱۳۷۹/۱۰/۲۰)، موج مسموم فرهنگ (جمع‌از پزشکان، پرستاران و کارکنان مراکز آموزش عالی و درمانی کشور، ۱۳۶۸/۹/۱۵)، ضایعات فرهنگی (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵/۹/۲۰)، تلقین‌پذیری از فرهنگ بیگانه (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اعضای هیئت علمی کنگره امام خمینی علیه السلام ۱۳۷۸/۱۱/۴)، شبیخون (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با

مسئولان و کارکنان نظام، ۱۳۷۹/۴/۱۹)، ناتوی فرهنگی (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵/۱۸/۰۸)، لشگری از امکانات فرهنگی و رسانه‌ای (دیدار اساتادان و دانشمویان دانشگاه‌های استان سمنان، ۱۳۸۵/۰۸/۱۸)، مخدر فروش‌های فرهنگی (دیدار مسئولان و کارکنان نظام، تحلیل اوضاع کشور ۱۳۷۹/۳/۲۹)، فرهنگ خصمانه (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳/۴/۲۹)، فرهنگ وارداتی تحمیلی (بیانات در مسیئیه ارشاد به مناسبت افتتاح دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۶۲/۸/۲۸)، حاکمیت فرهنگ سلطه (مصاحبه با فیزیکار ایتالیایی، ۱۳۶۳/۵/۹)، مسخ‌شدگان فرهنگ (پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۶۹/۳/۱۰)، تسلط فرهنگی (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی ۱۳۷۹/۸/۲۴)، استحاله فرهنگی (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱/۵/۵)، تحمیل فرهنگی (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴/۴/۱۹)، استهزاء فرهنگ (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸/۱۱/۰۴)، حمله فرهنگی (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱/۱۰/۱۹)، فشار فرهنگی (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸/۰۸/۰۳)، زورگویی فرهنگی (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴/۱۲/۰۱)، غارت فرهنگی (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱/۰۴/۲۲)، قتل‌عام فرهنگی (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱/۰۴/۲۲)، آلودگی فرهنگی (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹/۱۱/۱۹)، انحلال فرهنگی (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳/۰۶/۲۸)، ریشه‌کن کردن فرهنگ ملی (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۱/۰۵/۲۱)، اقدام آرام و بی‌سروصدا (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۱/۰۵/۲۱)، جنگ رسانه‌ها (دیدار رئیس و مدیران سازمان صدا و سیما ۱۳۸۳/۰۹/۱۱)، هجوم انبوه افکار مختلف در راهروهای اطلاعاتی جهانی (دیدار علما و روحانیان استان سمنان ۱۳۸۵/۰۸/۱۷)، ترویج بی‌اعتنایی به هویت‌های ملی و مبانی فرهنگی (دیدار اساتادان و دانشمویان دانشگاه‌های استان سمنان، ۱۳۸۵/۰۸/۱۸)، تلاش جبهه استکبار برای بی‌محتوا کردن نظام اسلامی (دیدار مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۸۷/۱۱/۲۸).

با اندکی تأمل در اصطلاحات و مفاهیم فوق، به نظر می‌رسد کشف سه سوژه اساسی در فرایند مشاهده مقام معظم رهبری، منظومه فکری ایشان را برای خواننده بهتر نشان می‌دهد. اول اینکه آیا در بین آن اصطلاحات، یک مفهوم مرکزی وجود دارد؟ دیگر اینکه آیا اصطلاحات فوق، سیر تکاملی دارند و یا واژگان پراکنده‌ای هستند که به تناسب زمان و موضوع مطرح شده‌اند؟ آیا می‌توان گفت مقام معظم رهبری، جنگ نرم دنیای غرب بر ضد اسلام را از «ورود فرهنگی» تا «تبلیغ فرهنگی»، «تضعیف فرهنگی»، «شبیخون فرهنگی»، «ناتوی فرهنگی» رصد کرده، مسیری منطقی و تکاملی را مشاهده نموده‌اند و زبان ایشان در این زمینه، بر این اساس شکل گرفته است؟ سوم اینکه آیا واژگان را بر اساس مراحل تکاملی می‌توان در قالب بسته‌های فرهنگی متعلق به همان دوره یا همان دغدغه واحد مقام معظم رهبری سامان داد، به طوری که واژه زائد، مبهم و نامفهومی یافت نشود؟ نگارنده با تأمل در اندیشه سیاسی ایشان، به این نتیجه رسید که اساس تفکر ایشان در این موضوع، مطابق با آموزه‌های قرآن، بر مبنای مفهوم «ولایت» شکل گرفته و بر اساس تقابل موجود در سوره کافرون، این مفهوم در جامعه به دو حوزه «ولایت الهی» و «ولایت شیطانی» تقسیم شده، و از تقابل این دو مفهوم، دو جبهه «اولیاء الهی» و «اولیاء شیطان» پدید آمده است. در رویکرد اجتماعی ایشان، این دو جبهه با عناوینی چون «اسلام»، «جهان اسلام»، «انقلاب اسلامی» و در مقابل «کفر»، «استکبار»، «دشمن»، «نظام سلطه» مطرح شده است؛ بنابراین به نظر می‌رسد در بخش «مهاجم فرهنگی» نقطه مرکزی بر محور اصطلاح «استکبار» یا «دشمن»، و در جبهه مقابل، اساس «اسلام» قرار دارد. درباره سؤال دوم به نظر

می‌رسد و ازگان و مفاهیم مقام معظم رهبری، رویکردی تاریخی و متناسب با رفتار مهاجمان فرهنگی، سیر تکاملی دارد. با دقت در دیدگاه ایشان در تهاجم فرهنگی غرب علیه ایران، در دوره معاصر از صفویه تا انقلاب اسلامی امواج تهاجم را می‌توان مشاهده کرد. موج اول، در دوره صفویه با ورود فرهنگ غرب آغاز شد؛ در دوره قاجاریه، از نیمه دوم آن موج سوم با تحمیل فرهنگی ادامه یافت؛ (دیدار وزیر و مسئولان وزارت ارشاد و اعضای شوراهای فرهنگ عمومی کشور، ۱۳۷۴/۰۴/۱۹). در دوران مشروطیت در قالب تقلید محض (دیدار اساتدان و دانشمویان دانشگاه‌های استان سمنان، ۱۳۸۵/۰۸/۱۸) خودنمایی کرد؛ از دوره رضاخان (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۱/۰۵/۲۱) با خودباختگی فرهنگی (دیدار کارکنان سازمان صدا و سیما، ۱۳۸۳/۰۲/۲۸) ادامه یافت؛ از اواسط دوران جنگ تحمیلی، زمانی که دشمن فهمید جمهوری اسلامی را نمی‌تواند با تهاجم نظامی از بین ببرد، تهاجم فرهنگی جدیدی را آغاز کرد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۱/۰۵/۲۱) و در نهایت، در چهره شیبخون (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان و کارکنان نظام ۱۳۷۹/۴/۱۹) و ناتوی فرهنگی (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵/۱۸/۰۸) به میدان مواجهه با نظام اسلامی وارد شدند.

فرایند ذیل، بیانگر سیر تدریجی شکل‌گیری برخی از مفاهیم تهاجم فرهنگی در اندیشه مقام معظم رهبری است:



بر اساس رویکرد فوق، واژگان و اصطلاحات موجود را در قالب چهار گروه مفهومی می‌توان دسته‌بندی کرد:

مفاهیم نوع اول: مفاهیمی که حکایت از نفس بحران دارند؛ مانند جنگ سرد، جنگ نرم (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸/۰۶/۲)، جنگ فرهنگی (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جلسه پاسف به سؤالات دانشجویان دانشگاه تهران، ۱۳۷۷/۶/۲۲)، جنگ رسانه‌ای (دیدار رئیس و مدیران سازمان صدا و سیما، ۱۳۸۳/۰۹/۱۱).

مفاهیم نوع دوم: مفاهیمی که بدون اشاره به کنش‌گران، صرفاً به واقعیت‌های فرهنگی در فرایند تهاجم فرهنگی اشاره دارد. البته روشن است که این مفاهیم برخی در جبهه دشمن و برخی در جبهه دوست اتفاق می‌افتند؛ مانند هرج و مرج فرهنگی (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۷/۱۰/۱۵)، آلودگی فرهنگی (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹/۱۱/۱۹)، زیاده‌گزینی فرهنگی (بیانات مقام معظم رهبری در مجمع مدیران و کارکنان صدا و سیما، ۱۳۸۳/۰۲/۲۸)، استقلال فرهنگی (سفیرانی در مراسم افتتاحیه اولین نمایشگاه بین‌المللی کتاب، ۱۳۶۶/۸/۱۴)، تأثیر فرهنگ و نقش فرهنگ (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۳/۹/۱۹)، توسعه فرهنگ (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار نویسندگان و شعرا و فرهنگیان در مجمع فرهنگی هنری ارومیه، ۱۳۷۵/۶/۲۸)، گسترش فرهنگ (سفیرانی در دیدار با قشرهای مختلف مردم و جمعی از پزشکان، پرستاران و کارکنان مراکز آموزش عالی و درمانی کشور، ۱۳۶۸/۹/۱۵)، هویت فرهنگی، فرهنگ تحمیلی (بیانات در جلسه پرسش و پاسخ در دانشگاه امیرکبیر، ۱۳۶۸/۳/۶)، ضایعات فرهنگی (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵/۹/۲۰)، فرهنگ خصمانه (بیانات رهبر معظم انقلاب

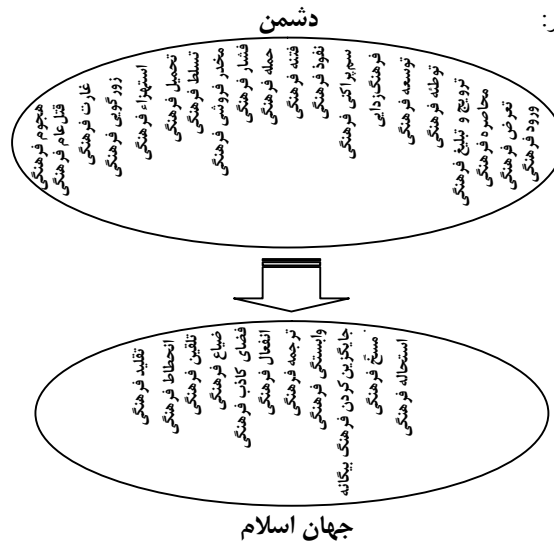
اسلامی، ۱۳۷۳/۴/۲۹، فرهنگ وارداتی (بیانات در مسیئیه ارشاد به مناسبت افتتاح دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۶۲/۸/۲۸، تحول فرهنگی (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۶۲/۱۰/۲۴)، امواج فرهنگ (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مفتی مسلمانان مصر، ۱۳۷۹/۱۰/۲۰) موج مسموم فرهنگ (جمعی از پزشکان، پرستاران و کارکنان مراکز آموزش عالی و درمانی کشور، ۱۳۶۸/۹/۱۵).

مفاهیم نوع سوم: مفاهیمی که بیانگر هجوم مرکز به پیرامون و بیانگر ماهیت استعماری، ظالمانه و سلطه‌گرایانه آن است؛ مانند: تعرض فرهنگی (سفنرانی در دیدار با مسئولان و کارکنان نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر ۱۳۷۰/۴/۱۰)، محاصره فرهنگی (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸/۰۳/۲۶)، ترویج فرهنگ (پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به مراسم افتتاح هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳/۰۳/۰۷)، تبلیغ فرهنگی (بیانات در دیدار با وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و نمایندگان فرهنگی جمهوری اسلامی در خارج از کشور، ۱۳۷۰/۲/۳)، اشاعه فرهنگ (فطبه‌های نماز جمعه ۱۳۶۴/۶/۱۵)، ورود فرهنگ استعماری (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار کارکنان نظام، روز عید غدیر، ۱۳۷۳/۳/۸)، تحقیر فرهنگی (بیانات در دانشگاه ازی بافتران، ۱۳۶۸/۱/۱۵)، گسترش فرهنگ (سفنرانی در دیدار با قشرهای مختلف مردم و جمعی از پزشکان، پرستاران و کارکنان مراکز آموزش عالی و درمانی کشور، ۱۳۶۸/۹/۱۵)، توطئه فرهنگی (فطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۸/۱۱/۲۰)، توسعه فرهنگ (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار نویسندگان و شعرا و فرهنگیان در مجمع فرهنگی هنری ارومیه، ۱۳۷۵/۶/۲۸) سم‌پراکنان فرهنگی (دیدار مسئولان و کارکنان نظام، تحلیل اوضاع کشور ۱۳۸۵/۰۳/۲۹)، تهاجم فرهنگی (فطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۶۵/۱/۲۹)، نفوذ فرهنگی (بیانات در دیدار با مسئولان انتشارات سپاه، ۱۳۶۴/۷/۲۸)، فرهنگ‌زدایی (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار هیئت علمی و کارشناسان مهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳/۰۴/۰۱)، فتنه فرهنگی (سفنرانی در جامعه‌الصادق، ۱۳۶۵/۸/۲۸)، فرهنگ تحمیلی (بیانات در مجلس پرسش و پاسخ در دانشگاه امیرکبیر،

۱۳۶۸/۳/۶)، مخدرفروش‌های فرهنگی (دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، تحلیل اوضاع کشور، ۱۳۸۵/۳/۲۹)، حاکمیت فرهنگ سلطه (مصاحبه با فبرنگار ایتالیایی، ۱۳۶۳/۵/۹)، تسلط فرهنگی (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹/۸/۲۴)، تحمیل فرهنگی (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴/۴/۱۹)، استهزاء فرهنگ (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸/۱۱/۰۴)، حمله فرهنگی (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱/۱۰/۱۹)، فشار فرهنگی (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸/۰۸/۰۳)، زورگویی فرهنگی (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴/۱۲/۱)، غارت فرهنگی (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱/۰۴/۲۲)، قتل عام فرهنگی (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱/۰۴/۲۲) ریشه‌کن کردن فرهنگ ملی (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۱/۰۵/۲۱)، اقدام آرام و بی سروصدا (همان)، هجوم انبوه افکار مختلف در راهروهای اطلاعاتی جهانی (دیدار علما و رومانیان استان سمنان، ۱۳۸۵/۰۸/۱۷)، ترویج بی‌اعتنایی به هویت‌های ملی و مبانی فرهنگی (دیدار استادان و دانشمویان دانشگاه‌های استان سمنان، ۱۳۸۵/۰۸/۱۸)، تلاش جبهه استکبار برای بی‌محتوا کردن نظام اسلامی (دیدار مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۸۷/۱۱/۲۸).

مفاهیم نوع چهارم: مفاهیمی که وضعیت فرهنگی کشورهای پیرامون را بیان می‌کنند؛ مانند: تقلید فرهنگی (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳/۰۴/۱۷) استحاله فرهنگی (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱/۵/۵)، مسخ‌شدگان فرهنگ «پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی»، ۱۳۶۹/۳/۱۰، تلقین‌پذیری از فرهنگ بیگانه (در دیدار با اعضای هیئت علمی کنفدراسیون فمینیسم، ۱۳۷۸/۱۱/۴)، جایگزین کردن فرهنگ بیگانه (سفرانی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر، ۱۳۷۰/۴/۱۰)، استقلال فرهنگی (سفرانی در مراسم افتتاحیه اولین نمایشگاه بین‌المللی کتاب، ۱۳۶۶/۸/۱۴)، هویت

فرهنگی (بیانات در دیدار با مسئولان انتشارات سپاه، ۱۳۶۴/۷/۲۸)، وابستگی فرهنگی (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب، ۱۳۷۷/۱۲/۱۸)، ترجمه فرهنگ بیگانه (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای انجمن اهل قلم، ۱۳۸۱/۱۱/۷)، انحطاط فرهنگی و ضیاع فرهنگی (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای گروه ادبیات و مقاومت مؤزده هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲/۷/۱۲)، فضای کاذب ضد دینی و فضای منفعل در مقابل فرهنگ غرب (دیدار مسئولان و کارکنان نظام، تملیل اوضاع کشور ۱۳۸۵/۰۳/۲۹) قلم‌زنان جریان فرهنگی وابسته به استکبار (دیدار نویسندگان، صامینظران و کارکنان رسانه‌های گروهی، ۱۳۷۱/۰۵/۲۱).



نمودار فوق نشان می‌دهد که اصطلاحات دو جبهه متخاصم، در کنار هم فهمیده می‌شوند. ورود فرهنگ، ترویج فرهنگ، تبلیغ فرهنگی و اشاعه فرهنگ غرب، سبب تقلید فرهنگی در جهان اسلام شده است. توطئه فرهنگی، فتنه فرهنگی،

سبب هرج و مرج فرهنگی و تعرض فرهنگی، محاصره فرهنگی سبب استحاله فرهنگی، و گسترش فرهنگ، توسعه فرهنگ، سم‌پراکنان فرهنگی، مخدرفروشی فرهنگی، حاکمیت فرهنگ سلطه، تسلط فرهنگی، تحمیل فرهنگی، باعث بی‌هویتی فرهنگی، وابستگی فرهنگی و ترجمه فرهنگ بیگانه در جهان اسلام شده است؛ و تحقیر فرهنگی سبب مسخ فرهنگی و اقدام آرام و بی‌سروصدا، هجوم انبوه افکار مختلف در راهروهای اطلاعاتی جهانی و انحطاط فرهنگی و ضیاع فرهنگی، فضای کاذب ضد دینی و فضای منفعل در مقابل فرهنگ غرب و قلم‌زنان جریان فرهنگی وابسته به استکبار، همه ناشی از تهاجم فرهنگی، ترویج بی‌اعتنایی به هویت‌های ملی و مبانی فرهنگی، تلاش جبهه استکبار برای بی‌محتوا کردن نظام اسلامی و جهان اسلام است.

به نظر می‌رسد با تأمل در مفاهیم به کار گرفته شده در مقوله تهاجم فرهنگی از دیدگاه مقام معظم رهبری، می‌توان فهمید که ایشان بزرگ‌ترین مشکل جهان اسلام را در همین زمینه می‌دانند. ایشان علل موفقیت غرب در تهاجم به جهان اسلام را نه لزوماً توانایی آنها، بلکه به دلیل بی‌کفایتی در جهان اسلام می‌دانند. آنچه از مجموعه مفاهیم و اصطلاحات موجود در شبکه مفهومی مقام معظم رهبری قابل فهم است، اینکه جهان اسلام به تهاجم فرهنگی غرب، سه نوع واکنش نشان داده است:

- واکنش طردی؛
- واکنش تسلیمی؛
- واکنش اقتباسی.

در واکنش طردی، جهان اسلام در مواجهه با تمدن غرب، به طرد تمام اجزای

آن پرداخت. در واکنش تسلیمی، تمدن مادی غرب با تمام ویژگی‌هایش پذیرفته شد. در اتخاذ این واکنش، ترکیه پیش قدم بود. واکنش اقتباسی، بر مبنای این واقعیت شکل گرفته است که هم نمی‌توان واقعیت غرب را انکار کرد و هم نمی‌توان به کلی تسلیم آن شد. انکار کلی غرب، مخالفت با واقعیتی بشری است و تسلیم شدن به غرب نیز بهره‌ای جز اسارت و غارت دارایی‌های مسلمین نخواهد داشت. راه معقول و مطلوب، اقتباس آگاهانه از تمدن غرب و زدودن روح الحاد و مادی‌گری از علوم غربی است. عنصر اساسی واکنش اقتباسی، وحدت جهان اسلام است، که به دلیل انفعال دچار هرج و مرج فرهنگی شده است. اما آنچه از مفاهیم تهاجم فرهنگی در مجموعه اصطلاحات فوق به دست می‌آید، عمده در بخش تسلیم فرهنگی است؛ زیرا جهان اسلام در بخش اقتباس معقول، با این همه مشکلات مواجه نمی‌شد و حتی با طرد فرهنگ غرب و مقاومت در برابر آن، با این همه تقلید کورکورانه و از خود بیگانگی و انفعال و استحاله و هرج و مرج فرهنگی روبه‌رو نمی‌گشت.

نتیجه‌گیری

از امور اساسی در تبیین حوزه‌های فکری و سیاسی، تبیین واژگان کلیدی و اصطلاحات رایج در کاربرد زبانی است. به جای تحلیل مسائل و موضوعات مورد دغدغه اندیشمندان، از ساختار مفهومی و زبان سیاسی او می‌توان به اهمیت موضوع پی برد. در این مختصر در پی بیان شبکه مفهومی کامل واژگان تهاجم فرهنگی در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری نبودیم؛ زیرا بر اساس نظریه بحران که پایه روش‌شناختی قرار گرفت، به مفاهیم تجویزی و اندیشه‌ای که بخشی از اندیشه سیاسی مورد پذیرش متفکر است وارد نشدیم و مفاهیم نظام مطلوب او را واگذاشتیم، و تمرکز بحث را بر دغدغه‌های اندیشمندان در مرحله مشاهده اوضاع بحرانی جامعه نهادیم. هدف، آن بود که نشان دهیم اندیشمندان مسلمان، همچون پیامبر، «طیب دوار» است که به سراغ مریضانش می‌رود و با مشاهده رنگ و رخسارشان، قبل از آغاز معالجه و ریشه‌یابی دردها و تجویز نسخه، سلیم را از سقیم و مار را از بیمار تشخیص می‌دهد؛ و نشان دادن این حقیقت، فقط از طریق قرار دادن مفاهیم و واژگان او در یک شبکه مفهومی و ارجاع آنها به یک مفهوم مرکزی قابل فهم، ممکن است.

منابع و مأخذ

۱. خامنه‌ای، سید علی، حدیث ولایت (مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری)، ۱۳۷۸، دفتر مقام معظم رهبری، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۲. خامنه‌ای، سید علی، نرم افزار «حدیث ولایت».